

صورت مسئله را پاک نکنیم!

گزارشی از نقد و بررسی کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای

بهاره جلالوند



اشاره

سرعت پیشرفت علم و فناوری چنان بالاست که تا چشم برهم بزنی، شاهد پدیده‌ای جدید هستی. دنیای امروز از هر لحاظ در حال تغییر است. ارتباطات و رسانه‌ها در مرکز این تحولات قرار دارند. رسانه‌ها اکنون فراتر از فناوری، به یک زبان و فرهنگ بدل شده‌اند و کل هستی و زندگی فرهنگی و اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رسانه‌ها جزو گریزناپذیر زندگی ما شده‌اند و از تولد تا مرگ ما را همراهی می‌کنند. هر روز بر تعداد، تنوع و تکثر، روزنامه‌ها، مجلات، سایت‌ها، شبکه‌های رادیو-تلویزیونی و ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ... اضافه می‌شود. در چنین شرایطی که حجم بالایی از اطلاعات به سرعت در حال تولید و انتشار است، انتخاب رسانه معتبر و محتوا و مطلب، یا فیلم و تصویر مناسب بسیار مشکل و به توانایی‌ها و مهارت‌های ویژه‌ای نیاز دارد. «سواد رسانه‌ای» عنوانی است برای چنین مهارت‌هایی؛ مهارت‌های انتخاب، استفاده، نقد و بررسی رسانه و تحلیل و تولید محتوای رسانه‌ها.

سواد رسانه‌ای را می‌توان نوعی رژیم رسانه‌ای تلقی کرد که به ما می‌آموزد، از کدام رسانه و محتوای رسانه‌ای استفاده کنیم، چگونه و چه مقدار استفاده کنیم، مواد و محتوای رسانه‌ها چگونه و با چه اهداف و انگیزه‌هایی تهیه و تولید می‌شوند و ما چگونه می‌توانیم رسانه‌ها و محتوای آن‌ها را نقد و ارزیابی کنیم. اکنون با توجه به فضای به شدت رسانه‌ای شده‌ی زندگی امروز و فردا، در می‌یابیم مجهز شدن به تکنیک‌ها و مهارت‌های سواد رسانه‌ای، چرا به یک ضرورت اساسی برای شهروندان هر کشور بدل شده است، به طوری که بسیاری از کشورها از سال‌ها پیش چنین عنوانی را در سرفصل‌های رسمی برنامه‌ی درسی خود گنجانده‌اند.

تألیف کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» در ایران از سوی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» مسبوق به چنین شرایطی است. حرکتی مهم و منطقی که می‌تواند دانش‌آموزان و نسل آینده را برای زندگی در جامعه‌ی اطلاعاتی آماده کند تا در برابر سیل عظیم اطلاعات، دچار سردرگمی نشوند. اهمیت قرار گرفتن سواد رسانه‌ای در ردیف عنوان‌های رسمی درسی، نگاه آینده‌نگرانه‌ی آموزش و پرورش در انتخاب این درس و تألیف چنین کتابی، در محافل علمی، آموزشی و رسانه‌ای از جهات گوناگون مورد بحث و بررسی و نقد و نظر قرار گرفته است. این گزارش مروری است بر این نقد و نظرها با هدف کمک به تقویت و تکمیل این درس و کتاب جدید «تفکر و سواد رسانه‌ای».

کلیدواژه‌ها: نقد تفکر و سواد رسانه‌ای، رژیم رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی

ضرورت تألیف یک کتاب

شاید برای خیلی از افراد این پرسش مطرح شود که چطور شد کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای یک‌باره سر از فهرست کتاب‌های درسی در آورد و چه ضرورتی برای این موضوع وجود داشت. دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ابتدایی و متوسطه نظری» تنها کسی است که می‌تواند پاسخ خوبی به این پرسش بدهد: «شاید خیلی از افراد تصور کنند، پرداختن به سواد رسانه‌ای در آموزش و پرورش، تنها به تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای برمی‌گردد. در حالی که این تصور اشتباه است. این موضوع قدمت بیشتری دارد. سابقه‌ی پرداختن به بحث رسانه‌ها در کتاب درسی به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد و این‌طور نبوده است که بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای، کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای را تألیف کنیم. شاید این سؤال در ذهن خیلی از افراد به وجود بیاید که: چرا بین



می‌دانند، برخی از منتقدان باور دیگری دارند و معتقدند که چنین کتابی نباید تألیف می‌شده است. **امیر یزدیان**، دانشجوی دکتری رشته ارتباطات و از مترجمان کتاب «ویکردهایی به سوادسازهای»، در این باره چنین می‌گوید: «چنانچه کتاب تفکر و سوادسازهای را که آموزش‌وپرورش برای دانش‌آموزان تألیف کرده است، بهترین کتاب در این حوزه هم فرض کنیم، باز هم معتقدم که چنین کتابی با توجه به فضای کنونی نباید وارد آموزش‌وپرورش و کلاس درس می‌شد. آموزش سوادسازهای و آموزش‌وپرورش با یکدیگر متناقض هستند و نباید در کنار یکدیگر بیایند. سوادسازهای را باید به صورت نوین آموخت و این موضوع در نظام آموزش‌وپرورش چندان پُرنگ نیست. حتی فضای کلاس‌های درس ما سنتی به حساب می‌آیند، در حالی که آموزش چنین درسی نیازمند امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که در بیشتر مدرسه‌های ما چنین چیزی وجود ندارد. همچنین، معلمی که می‌خواهد به تدریس این درس بپردازد، باید مدیر کلاس باشد و در مقام تسهیل‌گر عمل کند، نه اینکه متکلم وحده باشد. آموزش درس سوادسازهای باید کاملاً به صورت تعاملی صورت بگیرد. معلم باید بتواند برای دانش‌آموزان توفان ذهنی به وجود آورد. در نظام آموزشی ما چنین مواردی چندان دیده نمی‌شود. به علاوه، برای تألیف این کتاب نیازسنجی صورت نگرفته است. در حالی که در بحث سوادسازهای مخاطب بسیار اهمیت دارد و باید نیازها و علاقه‌ها در طراحی کتاب نقش داشته باشند. تألیف کتاب واحد برای کل دانش‌آموزان کشور در واقع فقدان نیازسنجی را نشان می‌دهد. مسلماً نیازهای دانش‌آموزی که در تهران زندگی می‌کند، با نیازهای دانش‌آموزی که در دورافتاده‌ترین منطقه ایران زندگی می‌کند، یکسان نیست.

وقتی یک نهاد رسمی به‌طور خاص، متولی سوادسازهای شود، در واقع تناقضی بزرگ به وجود می‌آید. روح سوادسازهای و آموزش آن را نمی‌توان قالب‌پذیر دانست و نظام آموزش‌وپرورش متأثر از ایدئولوژی حاکم است. در حالی که در سوادسازهای، اولین مسئله‌ای که مطرح می‌شود، نقد دیدگاه سیاسی حاکم است. متولیان آموزش سوادسازهای باید نهادهای مدنی و غیردولتی باشند و آموزش‌وپرورش یکی از متولیان دولتی به حساب می‌آید.»

فضای نامناسب آموزش سوادسازهای

کتاب تفکر و سوادسازهای برای دانش‌آموزان پایه دهم تألیف شده و منتقدینی چون دکتر حسینعلی افخمی، استاد دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی بر این باور است که آموزش سوادسازهای باید از سنین کمتر شروع شود. او می‌گوید: «تصور من از سوادسازهای با آنچه که در این کتاب وجود دارد، متفاوت است. سوادسازهای در خارج از کشور برای دانش‌آموزان زیر ۱۶ سال تدریس می‌شود. به‌طور کلی سوادسازهای باید از سن پایین آموزش داده شود. قبلاً در سال ۱۳۵۶ آموزش‌وپرورش به توصیه «دانشکده ارتباطات» آن زمان کتابی را برای دانش‌آموزان با عنوان **زبان برای رسانه‌های همگانی** چاپ کرد که نشان می‌داد، باید رسانه‌ها را

سوادسازهای را برای دانش‌آموزان انتخاب کرده‌ایم؟ در جواب به این سؤال باید بگویم، علت انتخاب، احساس نیاز به چنین درسی بود. در واقع با توجه به توسعه رسانه‌ها و نقش فراگیر و همه‌جانبه آن‌ها در زندگی اجتماعی حال و آینده، وجود چنین درسی ضروری به نظر می‌رسید.

در برخورد با رسانه‌ها، افراد با دنیای جدیدی مواجه می‌شوند و در این مواجهه احساس درماندگی می‌کنند. برای اینکه چنین مشکلی برطرف شود و افراد بتوانند در مواجهه با مقتضیات دنیای جدید فعال باشند، به آموزش نیاز است. افراد برای موارد گوناگون مثل تدبیر در معیشت خود، تدبیر در حوزه فکری خود، تدبیر در وقت خود و در تمام زمینه‌ها نیاز دارند که نگاهی از بالا به خود بیندازند و به نوعی مهارت‌های لازم را برای زندگی در عصر جدید به‌دست آورند. به این منظور تفکر و سوادسازهای به‌عنوان کتاب درسی تدوین و تألیف شده و در کنار بقیه درس‌ها قرار گرفته است.»

نهادهای مدنی به‌جای دستگاه رسمی

با وجود اینکه مسئولان آموزش‌وپرورش با توجه به توسعه و پیشرفت رسانه‌ها، تألیف کتاب سوادسازهای را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر



دوام نداشت، تا اینکه بعد از گذشت سال‌ها، امسال کتابی با عنوان تفکر و سواد رسانه‌ای چاپ شد. تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای در شرایط فعلی کشور که هنوز شمارگان روزنامه‌ها به درستی مشخص نیست، نمی‌دانیم پول چاپ آن‌ها از کجا می‌آید و اطلاعی درباره اقتصاد رسانه‌های کشور نداریم، کار چندان درستی به نظر نمی‌رسد. چون چنین مواردی در واقع بعد اصلی سواد رسانه‌ای محسوب می‌شوند. موضوع رسانه و ارتباطات را باید از پایه اول تحصیلی آموزش داد و تا پایه‌های بالاتر آن را دنبال کرد که در حال حاضر در این زمینه خلأ جدی دیده می‌شود.»

صورت مسئله را پاک نکنیم!

قطعاً زمانی که کاری نو شروع و قدمی برداشته می‌شود، نقدهای زیادی ممکن است به آن وارد شود. اما نقدها نباید در جهت پاک کردن صورت مسئله باشند و باید به صورت راهکاری برای بهبود مسئله پیش‌رو مطرح شوند. دکتر امانی درباره این موضوع که چنین کتابی اصلاً نباید تألیف می‌شد، چنین می‌گوید: «ما به کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای به صورت صفر یا صد نگاه نمی‌کنیم. اما شاید بتوان گفت که یک گام بزرگ در نظام آموزشی برداشته شده است و جامعه دانشگاهی این رشته باید از چنین کاری ابراز خرسندی کند. اینکه برخی از منتقدان باور دارند که چنین قدمی اصلاً نباید برداشته می‌شد، به نظر چندان درست نیست. به هر حال باید از جایی کار را شروع کرد که انجام چنین کاری در آموزش و پرورش در واقع اقدامی ملی محسوب می‌شود. برخلاف نظر منتقدان، تناقضی بین نظام درسی رسمی و سواد رسانه‌ای وجود ندارد. ضمن اینکه مغایرتی هم بین آموزش سواد رسانه‌ای در نظام رسمی با آموزش‌های غیررسمی سواد رسانه‌ای نهادهای مدنی و سایر دستگاه‌ها وجود نخواهد داشت. برخی از منتقدان بر این باورند که فضای آموزشی کلاس‌های درس ما سنتی است. در حالی که فرایند یادگیری به نسبت گذشته کاملاً تغییر کرده و از حالت معلم محور فاصله گرفته است، دانش‌آموزان برای مشارکت در امر یادگیری اشتیاق نشان می‌دهند. برای تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، برخلاف نظر منتقدان که می‌گویند نیازسنجی صورت نگرفته، یک نیازسنجی علمی و کار پژوهشی جدی و دقیقی انجام شده که مستندات آن برای بررسی منتقدان در دسترس است. هر آموزشی یک هسته مرکزی دارد و به منظور رفع نگرانی‌هایی که برای پشتیبانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در مناطق محروم وجود دارد، تدابیر ویژه‌ای در نظر گرفته‌ایم تا دانش‌آموزان عزیز آن مناطق با مشکل مواجه نشوند.

البته برنامه‌ریزی‌های کشور را نمی‌توان با کف محرومیت‌ها سنجید. چنین کاری می‌تواند مانع رشد و پیشرفت شود. وقتی درس جدیدی تألیف می‌شود، قطعاً برای تدریس آن مثل هر درس جدید دیگری، مشکلاتی وجود دارد که این مشکلات به مرور برطرف می‌شوند. معلم‌هایی که برای تدریس این درس انتخاب شده‌اند، غالباً معلمان علوم اجتماعی هستند که با مباحث این حوزه بیگانه نیستند. امیدوارم نقدهایی که بر کتاب می‌شوند، دستمایه‌ای برای

چند تألیفی شدن آن باشند و در سال‌های آینده بتوان چند کتاب برای مناطق مختلف و حتی مناطق چندزبانه کشور نیز تألیف کرد.»

مسئله محوری به جای دانش محوری

برای اینکه کتابی تألیف شود و به دست دانش‌آموزان برسد، گروهی از متخصصان باید گرد هم جمع شوند و از حداکثر توان خود برای تألیف بهره بگیرند. چنین کاری برای کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای نیز به گفته دکتر امانی انجام شده است: «کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای که برای پایه‌های دهم و یازدهم در نظر گرفته شده، در واقع درسی اختیاری است که مدرسه‌ها می‌توانند آن را یا دو درس دیگر را با عنوان‌های «کارگاه کارآفرینی» و «تولید هنر» انتخاب کنند. در واقع بین سه درس، یکی را می‌توان به اختیار انتخاب کرد. با توجه به اینکه سواد رسانه‌ای موضوعی بین رشته‌ای است، دیسپلین‌های درسی در انتخاب این عنوان درسی جایگاهی نداشتند.

هنگام تألیف کتاب بر این موضوع تأکید شد که قرار نیست کتابی تألیف شود که متن محور باشد و بر مسئله محور بودن کتاب تأکید زیادی شد. کتاب در واقع طوری تألیف شده است که بتواند دانش‌آموزان را در موقعیت‌های یادگیری فعال قرار دهد. به گونه‌ای که دانش‌آموز بعد از اجرای درس، تغییر را در خود احساس کند. این درس در واقع به این دلیل تألیف شده که بتواند دانش‌آموزان را رشد بدهد و مهارت‌های استفاده فعال و منفعل از رسانه را به آن‌ها آموزش بدهد. حفظ کردن در کتاب هیچ جایگاهی ندارد و برای درک بهتر کتاب نیز ۶۰ فیلم در نظر گرفته‌ایم که روی سایت قرار دارند. این

در کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، رسانه‌های، رسانه‌های، رسانه‌های وجود دارد، در حالی که در سواد رسانه‌ای، رسانه‌های، رسانه‌های، رسانه‌های وجود ندارد. دانش‌آموزانی که این کتاب را بخوانند، وارد صنعت رسانه نخواهند شد

فیلم‌ها دانش‌آموز را به درک بهتر، عملی‌تر و عینی‌تری از موضوعات می‌رسانند. برای تألیف چنین کتابی از افراد زیادی کمک گرفته شد که مهم‌ترین آن‌ها افرادی بودند که در زمینه طراحی کتاب‌های تفکر محور در حوزه آموزش، تجربه و مهارت کافی داشتند. این کتاب مانند سایر کتاب‌های تفکر محور است که سال‌ها در مدارس تدریس شده‌اند. همچنین از متخصصان برنامه‌ریزی، طراحی آموزشی، ارتباطات و رسانه نیز کمک گرفته شد.»

محتوای کتاب چگونه است؟

محتوای کتاب‌های آموزشی با توجه به نیازسنجی نظام آموزشی تهیه و تدوین می‌شوند و ممکن است در چاپ اول این کتاب‌ها ایرادهای کوچکی وجود داشته باشند. این موضوع طبیعی محسوب می‌شود و می‌توان در چاپ‌های بعدی آن‌ها را به مرور زمان اصلاح کرد. با وجود این، منتقدان نقدهای زیادی به کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای دارند. یزدیان می‌گوید: «برای تعریف سواد رسانه‌ای، تنها تعریف یونسکو مبنا قرار داده شده است که با شرایط جامعه

ما فاصله دارد. بسیاری از مفاهیم پایه حوزه رسانه در محتوای این کتاب تعریف نشده‌اند. این موضوع می‌تواند در مغایرت با منطق یک کتاب آموزشی باشد. چون وقتی دانش‌آموز برای اولین بار با چنین موضوعاتی مواجه می‌شود، به مشکل برمی‌خورد. درک این درس و اصطلاحات و مفاهیم آن برای دانش‌آموز دشوار است، زیرا مفاهیم پایه‌ای ارتباط و رسانه برای او تعریف نشده‌اند.

مفاهیم دیگری هم در کتاب وجود دارند که درک آن‌ها برای دانش‌آموز دشوار است؛ از جمله بازنمایی، برجسته‌سازی و افناعت هدف‌هایی که در ابتدای کتاب ذکر شده‌اند، بسیار آرمانی و دور از دسترس به نظر می‌آیند و حکایت از آن دارند که: سنگ بزرگ نشانه نژدن است. همچنین متن کتاب و چینش آن هم ایرادات زیادی دارد و کتاب باید ویرایش شود.

با توجه به این موارد، هر گونه تلاشی که برای توسعه سواد رسانه‌ای و بسط آن صورت بگیرد، قابل تقدیر است. ضمن آنکه منتقدان قصد ندارند مانع پیشرفت آن شوند و اگر هم نقدی وجود دارد، از سر دلسوزی است تا کتاب بهبود پیدا کند.»

رسانه‌هراسی نباید اشاعه داده شود

منتقدان دیگری چون **دکتر افخمی** نیز، محتوای کتاب را همراه با ایراد می‌دانند. دکتر افخمی می‌گوید: «تدوین کتاب درسی کار سختی محسوب می‌شود، اما این موضوع سبب نمی‌شود که نسبت به ایرادات کتاب‌ها بی‌تفاوت باشیم و از آن‌ها به راحتی بگذریم. موارد مختلفی برای نقد کتاب وجود دارد که یکی از آن‌ها کم‌رنگ بودن مفاهیمی چون خوداندیشی، درنگ و تأمل در کتاب به حساب می‌آید، این مفاهیم چندسالگی است که به صورت جدی در نظام آموزشی دنبال می‌شوند. دانش‌آموز باید یاد بگیرد که رسانه چه تأثیری بر ما می‌گذارد. سواد رسانه‌ای به این معنا نیست که دانش‌آموز صرفاً یک سلسله تعریف را یاد بگیرد. برای رسیدن به چنین نقطه‌ای نیز دانش‌آموز باید به خوبی از پشت‌صحنه تولیدات رسانه‌ها باخبر باشد. ولی ما چنین اطلاعاتی در مورد رسانه‌های خودمان نداریم بنابراین نمی‌توانی به سواد رسانه‌ای پرداخت. ژاپن و روسیه از جمله کشورهای هستند که از ترکیب **سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای** سخن می‌گویند. چون مرز این دو در سال‌های اخیر بسیار به یکدیگر نزدیک شده است. مهارت گوش دادن، حرف زدن، مهارت ارتباطی و ... را بسیاری از افراد یاد نگرفته‌اند و این مهارت‌ها را نمی‌توان جدا از رسانه دانست. در واقع قبل از رسیدن به رسانه باید دانش‌آموزان چنین مهارت‌هایی را به خوبی یاد بگیرند.

از سوی دیگر، نشر این کتاب به گونه‌ای است که به سختی می‌توان آن را فهمید. به علاوه برخی از مباحث بدون هیچ مقدمه‌ای مطرح شده‌اند. حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کتاب به بازنویسی نیاز دارد. یکی دیگر از ایرادات کتاب، بومی‌سازی نشدن تصویرهاست که باید برطرف شود. به‌طور کلی در کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، رسانه‌هراسی وجود دارد، در حالی که در سواد رسانه‌ای، رسانه‌هراسی اصلاً جایگاهی ندارد. دانش‌آموزانی که این کتاب را بخوانند، وارد صنعت رسانه نخواهند شد.»

پیش از هر چیز کتاب را بخوانید!

نقد سازنده می‌تواند به بهبود کتاب کمک کند. هر چه از چاپ اول یک کتاب درسی بگذرد، کتاب با رفع ایرادات احتمالی پخته‌تر و کاربردی‌تر خواهد شد. دکتر امانی درباره نقدها، به ویژه نقد محتوایی، می‌گوید: «برخی از نقدهایی که به این کتاب تازه تألیف می‌شوند، کاملاً منطقی هستند. اما باید بر این موضوع تأکید کنم، پرداختن به موضوع‌های بین‌رشته‌ای کار چندان راحتی نیست و رسیدن به یک کار کاملاً بی‌عیب و نقص در اولین قدم امکان‌پذیر نخواهد بود. همیشه وقتی کار جدید و مهمی در کشور صورت می‌گیرد، جویهای سیاسی و اجتماعی خاصی نسبت به آن شکل می‌گیرند و در رابطه با کتاب، آن را از فضای اصلی و آموزشی خارج می‌کنند. آموزش و پرورش به مسائل به شکل امواج سیاسی نگاه نمی‌کند. ضمن اینکه کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای هم یک کتاب سیاسی محسوب نمی‌شود و تنها هدف آن ملت‌سازی به حساب می‌آید. برخی از نکاتی که منتقدان درباره کتاب عنوان کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آن‌ها در جهت بهبود کتاب استفاده خواهد شد. اما در خصوص نقد کتاب باید بر این موضوع تأکید کنم که قبل از نقد هر کتابی باید آن را به دقت مطالعه کرد تا نقدهای سازنده و مفید شکل بگیرد. برخی از نقدها در این مورد بود که کتاب از تعریف یونسکو برای سواد رسانه‌ای استفاده کرده است. انجام چنین کاری با توجه به مرجعیت این نهاد اشکالی ندارد. در عین حال، هر تعریفی را می‌توان با توجه به شرایط خاص ملی بومی‌سازی کرد.

اما برخی منتقدان هدف‌هایی را که در ابتدای کتاب آمده‌اند، آرمانی و غیر واقع‌بینانه می‌دانند. باید گفت که هدف‌ها سطح‌بندی دارند و سطحی که برای این کتاب در نظر گرفته شده است، می‌تواند قابل تحقق باشد. البته این گام اول محسوب می‌شود و تحقق کامل هدف‌ها را نمی‌توان به این سطح محدود کرد. نبود تعریف‌ها در محتوای کتاب، یکی دیگر از نقدها محسوب می‌شود که در جواب به آن باید گفت: در طراحی آموزشی امروز، تأکید بر تعریف‌ها وجود ندارد و مفهوم‌سازی از اهمیت بیشتری برخوردار است.»

کلام آخر

اینکه کتاب سواد رسانه‌ای چقدر بتواند برای دانش‌آموزان مفید باشد، موضوعی است که برای روشن شدن آن باید صبر کرد. چون این کتاب به تازگی تألیف شده است و نمی‌توان به راحتی از تأثیرات آن سخن گفت. هر کتاب درسی تازه تألیف، با تمام کمی‌ها و کاستی‌ها، باز هم می‌تواند چیزی به دانش‌آموز بیاموزد و ذهن او را روشن کند و نمی‌توان این امر را نادیده گرفت. ضمن اینکه بسیاری از معلمان می‌توانند با شیوه‌ها و نوآوری‌های خود، این خلأها و کاستی‌ها را پر کنند. از طرف دیگر، آموزش و پرورش نسبت به نقدها بی‌تفاوت نیست و قطعاً می‌توان انتظار داشت که در سال‌های آتی، شاهد بهبود کیفیت این کتاب درسی باشیم؛ البته به شرط آنکه منتقدان و متخصصان ارتباطات همراه مؤلفان کتاب باشند و به بهبود آن کمک کنند. صرفاً به نقد کتاب نپردازند، بلکه راهکار ارائه دهند.